



بررسی ابعاد رسانه‌ای جنگ غزه در گفت‌وگو با دکتر عباس اسدی

غزه در فقدان رسانه‌های جریان اصلی دیده شد

انسان-رسانه‌ها، پلتفرم‌های جایگزین و رسانه‌های جریان مقاومت ساختار رسانه‌ای در دنیا را تغییر داده‌اند

جدید معرفی می‌شوند. همین موضوع سطح نزار غروب با جهان اسلام را افزایش می‌دهد.

کسانی که مادی باشند، خودی حساب شده و دیگران غیریت این نظام هستند. هیچ موقع بین خود و دیگری صلح برقرار نمی‌شود، بنابراین بر خلاف رای مشهور پیرامون حقوق بشر ما شاهد تبعیضی نظام‌مند هستیم.

تقسیم‌بندی خودی و غیر خودی گاهی مواقع آشکار می‌شود. برای مثال در حملات ۱۱ سپتامبر آمریکا صراحتاً می‌گوید جهان یا با ما است یا علیه ما. در همان جا جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور وقت و مسؤلان آمریکا با رفتن به کلیسا و... ماهیت مذهبی این نزار را تا سطحی آشکار می‌کنند. لذا باز به باور من مساله دین در دنیای فعلی فراموش شده نیست و اتفاقاً هنوز به نحوی نزار درست کرده و کشورها را جبهه‌بندی می‌کند.

البته این سوءبرداشت‌های نادرست را نباید به خود ادیان ابراهیمی نسبت داد. اینها حاصل تفاسیر نادرست و بعد دگم کردن این تفاسیر است که در طول تاریخ رخ داده است.

حالا این موضوع به باور من در منطقه خاورمیانه بسیار جدی‌تر است. این منطقه در طول تاریخ دارای فرهنگ‌ها و جوامع دین‌پایه بوده است. به اعتقاد برخی نمی‌توان دین را از این منطقه حذف کرد. نمی‌توان بدون تفاوت با دین نسبت به امور مختلف اظهار نظر کرد. بویژه در منطقه فلسطین به واسطه آنکه یکی از نزارهای انگیزترین شهرها و اماکن جهان در آن است، مساله جدی‌تری می‌شود. بیت‌المقدس و مسجدالاقصی منطقه‌ای نزار بر انگیز در طول تاریخ بوده است و ادیان مختلف نسبت به آن تمایل و حس تعلق دارند.

گذشته از حس تمایل و تعلق دینی، حس تعلق تاریخی نیز وجود دارد. یهودیان این منطقه را شهر اجداد و پدران خود می‌دانند، لذا مساله بغرنج‌تر می‌شود. اگر همین نزار در منطقه دیگری رخ داده بود به نظر زودتر به سرانجام و نتیجه می‌رسید. البته من بحث را در لایه بنیادین خود طرح کردم در غیر این صورت نزار غزه را می‌شود در قالب سیاسی و در واقع نقشه‌ای که آمریکا برای نظم جهانی داشته نیز ترسیم کرد. متأسفانه تمام تلاش دولت‌های وابسته منطقه نیز این بود که در این طرح جدید صاحب جایگاهی شوند.

■ **خروجی این تحلیل شما پیرامون پوشش رسانه‌ای جنگ غزه چگونه خواهد بود؟**

وقتی اینها را شما در نظر می‌گیرید متوجه خواهید شد رسانه‌ها هم در همین چارچوب کار می‌کنند. این مساله که رسانه در کدام نقطه جغرافیایی و در کدام محفل سیاسی حضور دارد در سیاست‌های خبری آن اثرگذار است.

رسانه‌ای که در آمریکا است با رسانه‌ای که در فرانسه است، با رسانه‌ای که در غرب آسیا قرار دارد، هر یک پوشش متفاوتی از غزه داشته‌اند. ما نباید حتی رسانه‌های غربی را نیز یکدست ببینیم. این موضوع در سطح حساسیت آنها دخالت دارد. متأسفانه جان انسان‌ها در غرب آسیا برای دنیا اهمیت ندارد. کشته شدن ۳۲ هزار انسان در این منطقه برای دنیا بازتاب داده نمی‌شود اما کشته شدن یک مسیحی، یهودی یا انسان غربی بازتاب گسترده‌ای به خود می‌گیرد. این مساله در خطوط خبری آنها بسیار جدی است.

◆◆◆
مردم غرب آسیا بشدت جهانی هستند. آنها هر جا بروند میلی به ایجاد کلنی ندارند. الان شما چند تا محله به نام محله عراقی‌ها، سوری‌ها، ایرانی‌ها و... در شهرهای بزرگ دنیا می‌توانید نام ببرید؟ این موضوع به این دلیل است که مردم این منطقه دارای روابط گسترده و جهانی بوده و بسته نیستند. مسلمان‌ها به چیز دیگری هم علاقه دارند. اسرائیل از اساس هسته نرم ندارد. هسته نرم آن می‌شود همین دستگاه پروپاگاندای وحشی. اگر این دستگاه را کنار بزنید اسرائیل حقیقتی سخت خواهد داشت

حال پیروان به دلیل دگم کردن آموزه‌های پیامبر خود با پیامبر بعدی ستیز کرده و نزار را شکل داده‌اند. با این حساب یکی از چارچوب‌های تحلیلی ما پیرامون نزار فلسطین و اسرائیل همین نزار ادیان بوده و این چارچوبی بنیادین است که با ترک آن ممکن است به انحراف برویم.

با ورود به دوره مدرنیته ما شاهد ظهور چیزی به نام سرمایه‌داری هستیم. پیرامون سرمایه‌داری ۲ تفسیر کلی وجود دارد. نخست تفسیری که «وبر» از آن ارائه داده و بعدها در دیدگاه دیگر جامعه‌شناسان امتداد می‌یابد. در این تفسیر که وبر در کتاب «اخلاق پروتستانسیسم و روح سرمایه‌داری» طرح می‌کند مدرنیته و سرمایه‌داری در امتداد دین و برخاسته از آن است. قرائت دیگر از مدرنیته و سرمایه‌داری که برای مثال «هانس بلومبرگ» در کتاب «مشروعیت عصر مدرن» آن را مدیریت می‌کند دقیقاً در نقطه مقابل دیدگاه نخست مدرنیته را انقطاع از مسیحیت تفسیر می‌کند. حالا در هر صورت اگر تفسیر اول از غرب و مدرنیته آن را بپذیریم بحث نخست ما پیرامون دینی بودن نزار غزه تقویت می‌شود اما اگر آن را هم نپذیریم به هر صورت مدرنیته دارای مبانی‌ای است که خشونت را تقویت کرده و به کمک تقویت نزار مذکور می‌آید. سرمایه‌داری تنها به دنبال بسط خود است، لذا به این موضوع که چه بر سر انسان‌ها می‌آید عنایتی ندارد. از طرف دیگر به واسطه غلبه مدیریت اقلیتی از انسان‌ها بر این نظام، منافع فرد بر نوع انسانی غلبه یافته است. همچنین سرمایه‌داری به واسطه غلبه نگاه‌های ماتریالیستی و تکنیکی، اخلاق و معنویت را هم که بندی بر عمل انسانی بودند، به محاق برده است.

پس ببینید تا اینجا ۲ نکته ذکر شد. یکی مساله ادیان و دومین نکته پدیدار شدن نظام سرمایه‌داری. با ظهور نظام سرمایه‌داری، انسان‌های معنویت‌گرا که اعتقاد به قیامت داشته و تلاشی برای بسط معنویت دارند، به عنوان «دیگری» نظم

قطعا کیفیت یک جنایت در دیده شدن بیشتر آن دخیل است اما موضوعی که پیرامون جنگ اخیر غزه بیشتر به چشم می‌آید حجم زیاد همدلی‌ها و پذیرفتن روایت انسان غزه از جنگ است؛ موضوعی که اهالی رسانه را به این پرسش واداشت: چه شده انسان غزه بیشتر از قبل دیده می‌شود؟ همین موضوع نیز هزینه حیثیتی غزه برای آمریکا را دوچندان کرد. در همین باره با دکتر «عباس اسدی» دانشیار علوم ارتباطات و رسانه دانشگاه علامه طباطبائی و فارغ التحصیل دکتری از روزنامه‌نگاری از دانشگاه سوربن به گفت‌وگو پرداختیم.

■ **به عنوان سوال نخست پیش از آنکه به ابعاد رسانه‌ای جنگ غزه بپردازیم می‌خواهم در مرتبه اول روایت خود از این نزار را شرح دهید تا بر اساس آن به ابعاد رسانه‌ای عملیات توفان الاقصی در سطح جهانی برسیم.**

غزه مساله‌ای چند بعدی است، لذا نمی‌توان آن را از یک منظر مورد بحث قرار داد. اگر بخواهیم به نحو بنیادی به این موضوع بپردازیم، در نهان آن به این می‌رسیم که مساله غزه به اصطلاح یک نوع جنگ بین ادیان است. جنگ بین ادیان یعنی نزاری میان ادیان بزرگ ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهود که در زمان‌های گذشته هم وجود داشته و هنوز هم تداوم دارد. اگر چه در ظاهر این موضوع را صراحتاً بیان نمی‌کنند اما زمینه‌های این نزار بازگشت به تاریخ داشته و مساله‌ای دینی و قدیمی است. پیروان این ادیان از بدو تأسیس دین به دلایل مختلف با یکدیگر به نزار پرداخته و تا امروز نیز این رویه خود را در اشکال مختلف بروز داده‌اند. جنگ‌های صلیبی تنها یک نمونه از این جنگ‌ها بوده و ما در طول تاریخ همواره دیده‌ایم که پیروان ادیان مختلف با یکدیگر زیست غیرمسالمت‌آمیزی داشته‌اند. این موضوع برخلاف آن است که خود انبیا در دعوت خود انسان‌ها را همواره به صلح و دوستی فرامی‌خواندند. با این